

نقش بانک صنعتی در اقتصاد کشور

در شماره گذشته وعده کردیم راجع به بانک های صنعتی و نقشی که این بانکها میتوانند در صنعت و اقتصاد کشور داشته باشند مطالبی بنویسیم ولی قبل از طرح موضوع لازم است بدانیم که اصولا يك بانك صنعتی چگونه بانکی است و بیا بصورت دیگر تعریف آن چیست و سابقه آن کدام است آنوقت با توجه به تعریف و سابقه و علل موفقیت و یا عدم موفقیت اینگونه بانکها در ایران تا آنجا که بما اجازه میدهد ملاک درستی در دست خوانندگان قرار دهیم.

تعریف بانك بطور کلی - بانك مؤسسه ایست که مهربایستی بصورت شرکت سهامی تشکیل یابد و طبق قوانین تجاری بامور بانکی که عبارت از واسطه بین عرضه و تقاضای پول است مبادرت نماید. این تعریف را قانون بانکداری ایران مصوب پنجم تیرماه ۱۳۳۴ کمیسیون مشترك مجلسین در ماده ۱ بنحو دیگری بیان داشته است بدین معنی «بانك مؤسسه ایستکه بصورت شرکت سهامی مطابق قانون تجارت تشکیل شده و بر اساس مواد این قانون بعمليات بانکی اشتغال ورزد» و با توجه بسایر مواد قانون بانك داری مذکور در فوق عمليات بانکی همان نقل و انتقال پول از دست عرضه کننده (که بصورت سهم صاحبان سهام بانك و سپرده مشتریان بانك در اختیار بانك قرار میگیرد) بدست تقاضا کننده است که طرف معامله با بانك میباشد اعم از آن که تقاضا کننده شخص طبیعی یا حقوقی باشد. شکل شرکت سهامی برای بانکها ضروری است و بانکها چه دولتی باشد و چه خصوصی این مطلب را در اساسنامه خویش ذکر میکنند چنانچه ماده اول اساسنامه بانک ملی مصوب ۲۲ مرداد ماه ۱۳۰۷ مقرر میدارد «بانک ملی ایران که بموجب قانون ۱۴ اردیبهشت ماه ۱۳۰۶ تشکیل شده بنگاهی است بصورت شرکت سهامی...» و نیز در ماده دوم اساسنامه بانك اعتبارات صنعتی وابسته به سازمان برنامه مصرح است که «بانك اعتبارات صنعتی بصورت شرکت سهامی است». اینکه بانك باید بصورت شرکت سهامی تشکیل گردد منطبق باموازین حقوقی و اقتصادی است زیرا:

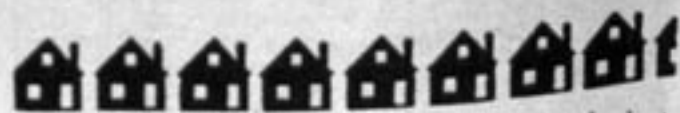
اولا - سرمایه های فردی هر قدر زیاد باشد دارای آن وسعت و امکانیکه يك شرکت سهامی میتواند داشته باشد نیست.

ثانیا - بانك نیز مانند سایر شرکت های سهامی همان نظیر که ماده ۲۱ قانون

تجارت ایران متذکر گردیده است باید دارای سهام متساوی بر نام و بانام بانك اگر چه يك شرکت سهامی میباشد طبق ماده ۲۳ قانون تجارت کلیه سهام خود را بی نام منتشر سازد اما در مورد بانك از تجاری که در طی جنگهای بین المللی بخصوص جنگ بین الملل دوم بدست دولت ها لازم دیدند برای مشخص کردن عده ای از صاحبان سهام لازم باشد تا ۵۰ تا ۶۰ درصد کل سهام بانکها باشد تا مبادا بیگانگان با خرید سهام بینام امور اقتصادی کشورشان را بدست بگیرند.

و اضمان قانون بانکداری ایران نیز این موضوع را از نظر دور نداشت در تبصره ماده يك پیمان قانون چنان ذکر کرده اند که «حداقل ۶۰ درصد بانك باید بانام باشد» و بدین ترتیب بانكها را با ذکر این تبصره از شرکت های سهامی متمایز ساختند. از طرف دیگر چون بانك بصورت شرکت سهامی تشکیل میگردد - آن اعم از بینام و بانام متساوی است و برای سهولت کار و شرکت بیشتر در قیمت سهام را سنگین نموسازند تا سرمایه های کوچک و حتی مردم عادی که مختصری ذخیره دارند بتوانند تشکیل آن شرکت نمایند. علاوه بر دولت میتواند در موقعی که صلاح باشد با پالای بردن نرخ سهام و خرید آنها صاحبان سهام و فروش آن در وقتی خلاف ضرورت قبلی را احساس می نمایند بانکهای خصوصی را از هر جهت نظارت خود در آورد که گماینکه کشور دیگر بارها بدینوسیله در کارهای بانکی خصوصی دخالت نموده اند و آنها را زیاده روی و یا ورشکستگی بخاطر داده اند.

ثالثا - آنچه بیش از همه در مورد بانکها میباید اینست که شرکت های سهامی با داشتن ارگان های قانونی از قبیل هیئت مدیره همیشه عامل هیئت بازرسان و طبق قانون در مواقع معینی که از یک نیایستی تجاوز بشماید گزارش حساب شرکت را مجمع عمومی عادی ارائه میدهند و دارندگان سهام نیز در صورت مشاهده سوء تدبیر در اداره و یا سوء استفاده سرمایه از طرف هیئت های مذکور میتوانند تقاضای تشکیل مجمع عمومی فوق العاده نمایند و با تعویض مدیران و بازرسان تعویض اختیارات آنان باشند خاصا



بسیاری مفاسد که ممکن است در شرکت های غیر سهامی رخ دهد جلو گیری کنند چه در شرکت سهامی و نظایف مدیران محدود بمقدار وظایفی است که از طرف مجمع عمومی به آنان داده شده و نمیتوانند از آن تجاوز نمایند و این موضوع در مورد بانکه های آن جهت قابل توجه است که مدیران آنها با وجوه مردم سروکار داشته و نحوه عمل بایستی طوری باشد که سپرده های مردم و نیز سهام صاحبان بانك دستخوش هوی و هوس مدیران و هیئت عاملین بانك قرار نگیرد.

تعریف بانك صنعتی

همانطوری که در بالا بیان شد بانك وسیله ایست برای توزیع ثروت که با واسطه شدن بین عرضه و تقاضای پول موجب نقل سرمایه است از فردیکه آنرا بانك ارائه میدهد بفردیکه بان احتیاج داشته و برای دریافت آن بانك رجوع میکند عملیات بانك صنعتی از این قاعده کلی بیرون نیست با این تفاوت که در بانكهای عادی بنوع مصرف وام توجه نمیشود در حالیکه اعطای پول یا اعتبار بوسیله بانك صنعتی برای کمک بصنایع جهت پیشرفت یا توسعه آنها است خواه این کمک بشکل کمک نقدی باشد یا گشایش اعتبار جهت خرید ماشین آلات و خواه بصورت خرید سهام یا قرضه و شرکت مستقیم در اداره صنایع خصوصی. بنا بر این بانك صنعتی بانکی است اعتباری که با اعتبارات طولیل یا کوتاه مدت خود صنایع را تقویت یا تکمیل و یا توسعه و یا ایجاد مینماید.

تفاوت بانكهای صنعتی با بانكهای عادی

ممكن است این سؤال پیش آید که چه تفاوتی بین بانكهای بازرگانی و بانكهای صنعتی وجود دارد و آیا بانكهای بازرگانی نمیتوانند کمک بصنایع را ضمن سایر عملیات بانکی خود انجام دهند؟ پاسخ این سؤال را میتوان در عمل زیرجست:

۱- نوع اعتباری که بانكهای بازرگانی باشخص یا مؤسسات اعطا میکنند با نوع اعتباری که میتوانند بحال صنایع مفید واقع شود نه تنها مغایر است بلکه اصولا بصلاح و صرفه آنها نیست و اگر مشاهده میشود که عده ای از صاحبان صنایع با بانكهای عادی برای دفع نیازمندیهای پولی خویش معاملات مینمایند این نوع معاملات صرفا جنبه تجارتي دارند نه

صنعتی زیرا بانكهای بازرگانی نمیتوانند معاملات انجام دهند که برای مدت طولانی وجوه نقدی آنها از جریان خارج شود آنچه در عمل مشاهده میشود قسمت عده سرمایه این بانكها غالبا بصورت اموال غیر منقول جهت ایجاد شعبه های متعدد در می آید و معاملات که انجام میدهند از محل اعتبار خود در بانك مرکزی و یا با سپرده اشخاص اعزاز سپرده های ثابت یا جاری میباشد و چنانچه این وجوه بصرف خرید سهام و اعطای وام صنعتی برای مدت طولانی برسد کار بانكهای بازرگانی عملا مستمتع خواهد شد و اگر قرار شود با اعتبارات کوتاه مدت که معمولا بانكها بدان عمل میکنند و حداکثر از یکسال تجاوز نمی نماید صنایع کشور تقویت گردد این منظور هرگز حاصل نخواهد شد که اینسکه عملیات بانك ملی قبل از تاسیس بانك فلاح و صناعت در امور صنایع بصورت اعتبارات عادی انجام میشد و این امر هرگز توفیقی در کار صنایع ایجاد نکرد و همچنین است اعتبارات اعطائی توسط بانك فلاح و صناعت زیرا حداکثر مدت وام طبق اساسنامه بانك اخیر الذکر نمیتوانست از یکسال تجاوز نماید و چون این شرط با پیشرفت و توسعه صنایع منافات داشت بالاخره کار به انحلال بانك مزبور کشید ۲- عموما بانكها در اساسنامه خود عملیاتی را که نمیتوانند انجام دهند ذکر میکنند چنانچه اساسنامه بانك ملی ایران در بند ۲ و ۳ از ماده ۴۱ متذکر گردیده است که بانك نمیتواند بخريد سهام و یا هر نوع مشارکت دیگر در بنگاههای فلاحی یا صنعتی یا تجارتي اقدام ورزد و همینطور قانون بانکداری خرید سهام و اسناد وام و هر کسای بهادار از یک شرکت یا بنگاه و یا مشارکت در شرکتها را برای بانكهای عادی ممنوع نموده مگر بانكهایی که موضوع عمل اصلی آنها بر اینگونه معاملات متکی باشد (تبصره بند پ و ج ماده ۱۰ قانون بانکداری).

بنابر این مشاهده میشود علاوه بر سیاست اقتصادی بانكهای بازرگانی در اعطای اعتبار بلند مدت، برای شرکت اینگونه بانكها در خرید سهام شرکتها و بنگاههای صنعتی و غیر آن منع قانونی وجود دارد در حالیکه اساس کار بانك های صنعتی بر اعطای وامهای بلند مدت بکارخانجات و بنگاههای صنعتی و هم چنین مشارکت در شرکتها و تولیدی از طریق خرید سهام جهت تقویت و جلو گیری از سقوط آنها

استوار است و نیز بر حسب موقعیت میتواند سهام خریداری را به عرض فروش گذارد و پول حاصله را به مصارف دیگری که لازم میباشد برساند یا بصورت دیگر پس از آنکه با خرید سهام صنایع را تقویت نمودند هنگام توسعه آنها سهام را در اختیار اشخاص قرار داد و با جلب سرمایه این افراد، صنایع دیگری را که اقتضا میکند توسعه دهند.

۳- تفاوت دیگری که بین بانكهای بازرگانی با بانكهای صنعتی وجود دارد اینست که بر گشت اقساط وامهای اعطائی و نیز فروش سهام شرکتها تکیه بصورت بانك صنعتی تاسیس میشوند قبل از آنکه توزیع اولین سود بعمل آید و ضمانت نامعین است و مدتی وقت لازم دارند تا با ایجاد و فروش محصول اقساط دریافتی را پرداخت نمایند و وضع آنها از حیث سود و زیان نیز مشخص گردند بدین سبب بانك صنعتی احتیاج سرمایه زیادتری نسبت به يك بانك بازرگانی خواهد داشت زیرا بانكهای نوع اخیر میتوانند با سرمایه کم که طبق ماده ۶ قانون بانکداری نیابستی از یکصد میلیون ریال کمتر باشد بعملیات بانکی بپردازند در صورتیکه يك بانك صنعتی نیابستی دارای آن مقدار سرمایه باشد که بتواند در راه های از صنایع قسمتی از آنرا از جریان خارج و برای برگشت آن مدتی صبر کند و ضمانت بحالت خویش در زمینه های

دیگر صنعت ادامه دهد بخصوص وقتی يك بانك صنعتی حوزه عملیاتی تمام صنایع کشوری را شامل شود مسلما این موضوع با سرمایه های کوچک امکان پذیر نیست و بانك نخواهد توانست و نظریه اصلی خویش را انجام دهد و عملا حدود فعالیتش محدود بچند صنعت خواهد گردید.

۴- علاوه بر تفاوت اساسی مذکور نرخ بهره وامهای صنعتی از نرخ بهره وام های بازرگانی بایستی کمتر باشد زیرا منظور از اعطای وام بصنایع کسب سود نیست و نرخ بهره هم بایستی بحدی باشد که از استهلاک سرمایه جلو گیری بعمل آید یا بصورت دیگر هم صنایع تقویت شوند و هم اینکه اصل سرمایه از بین نرود و در آن مورد هم که اقدام بخريد سهام میشود بطور کلی بانك در سود و زیان سهام مشارکت مینماید.

۵- همچنین بانكهای صنعتی عملیات عادی بانكهای بازرگانی را از قبیل کمک های مالی باشخص و مؤسسات و شرکت های هائیکه کار اساسی آنها امور صنعتی نیست نیابستی انجام دهند زیرا منظور از ایجاد بانكهای صنعتی تشویق صنایع و درغایت امر حمایت مصرف کنندگان میباشد در حالیکه اعطای وام بمؤسسات غیر صنعتی بنحوی تشویق و ترویج امور غیر تولیدی است که برفع مصرف کننده نمی باشد.

امیر حسین پور سینا

وام صنعتی، عدد بخش صنعتگران داخلی است



سؤال و مطالبات فرهنگی
مع علوم انسانی